

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ اپریل ۲۰۱۹

لغو جلسه قطر، بازتاب کدام تضادهایست؟؟

۲

شنبه- ۳۱ حمل ۱۳۹۸ - کابل:

۲- عوامل خارجی:

الف- این را همه می دانیم که افغانستان در زمان خاندان "طلائی" با حفظ مناسبات تا حدودی مساویانه برده منشانه مقابل شرق و غرب و سرداران آنها یعنی شوروی آنزمان و امریکا، موفق شده بود خود را از گزند هردو محفوظ دارد، چرخش های متوالی "داوود خان" با یک روز تکیه به شوروی و روز دیگر تکیه به امریکا، یکی از عوامل کودتای خونبار و اسارت آور هفت ثور ۱۳۵۷ گردیده از آن تاریخ به بعد افغانستان به مثابه یک امتعه و مال قابل خرید و فروش، گاهی ملک این یکی به شمار می رفت و زمانی ملک آن دیگری. یعنی درحالی که شورویها در زمان حاکمیت مزدوران شان افغانستان را ملک خاص خود به شمار می آوردند و حاضر نبودند هیچ نوع جای پائی برای امریکائی ها در اینجا بگذارند، با سقوط حاکمیت مزدوران روس از همان نخستین روزهای حاکمیت جهادی ها تا اکنون، این امریکاست که ادعای مالکیت کامل بر افغانستان را دارد.

آنچه امریکا نتوانسته بود در محاسبات خود آن را بسنجد، میزان نفوذ روسها در جریان ۲۵ سال تمهید تجاوز بر افغانستان و ۱۴ سال حاکمیت مزدوران و خود آنها در افغانستان بود. آنها با همان غرور احمقانه ای که دارند بدون آن موجودیت ده ها هزار پرچی و خلقی و متحدان آنها در وجود شورای نظار و حزب وحدت و ده ها هزار خادیسث حرفه نی را به شمار آورند، فکر می کردند که دیگر میدان رقابت در افغانستان با در نظر داشت اضمحلال شوروی و به خاک سیاه نشستن روسیه خاتمه یافته است. تاریخ نشان داد که این طور نبود، چه به محض آن که روسیه به مثابه جانشین حقوقی و حقیقی شوروی مجدداً عرض وجود نمود و خواستار سهم خود در تقسیم غنایم کره ارض گردید، دیدیم که نوکرانش در افغانستان، از موش مردگی برآمده آنها نیز خواهان سهم شان در قدرت گردیدند.

با حرکت از چنین منظری کنفرانس مسکو برگزار گردید تا حامیان خط روسیه را به دور یک رهبری واحد گرد آورد و از آن طریق به روسیه امکان سهمگیری را فراهم سازد. هرچند امریکا قادر شد توسط جاسوس کهنه کار و از جان گذشته اش حامد کرزی، خود را در رأس آن حرکت بالا بکشد، مگر اساس مسأله که سهم خواهی روسیه در افغانستان بود و است به جایش باقی ماند.

واضح بود که روسها انتظار داشتند تا در دومین کنفرانس در قطر، دستاورد های کنفرانس اول را تحکیم بخشیده، گام دیگری جهت تحقق اهداف شان نزدیکتر شوند. انتظار و خواستی که به هیچ صورت برای جناح تمامیت خواه هیأت حاکمه و اشننگن برآوردنی و قابل پذیرش نبوده و نخواهد شد. اقدامات بعدی آن کاملاً روشن است، به وسیله "غنی احمدزی" که مدتی بود در حسرت روز های گذشته "بخمل بچیم" شنیدن های ارباب می سوخت و می ساخت، تمام رشته های روسها را به پنبه تبدیل نموده، مانع برگزاری جلسه گردید.

از تمام بحث این قسمت می توان نتیجه گرفت، که در عقب برگزار شدن و نشدن جلسه قطر، تضاد روسیه با جناح تمامیت خواه هیأت حاکمه امریکا نیز خود را متبازر ساخت. این بازتاب به وضاحت نشان داد که حل قضایای افغانستان که باشد سرچاپش، حتا برداشتن کوچکترین گامی در این جهت و یا آن جهت، نمی تواند بدون در نظرداشت، ملاحظه و مؤثریت قدرت های رقیب منطقه ئی و بین المللی صورت گیرد. و این همان حالتیست که ۴۰ سال قبل "ساما" آن را زیر عنوان "گرداب حوادث ملی و بین المللی" بیان داشته است.

ادامه دارد.